

امام صادق (ع) از فرصت

استفاده نمود!

دین اسلام آمده بود که با نهالیم حیات بخش و خرد پسند خود همه جهان را زیر یک پرچم گرد آورد و طبع یک قانون کند، آمده بود که او همان و حرافات و ظلم و تعدی را بکلی ریشه کن سازد، آمده بود که تبعیضات نژادی و اختلافات قبیله‌ای را از میان بر دارد و زندگی اعیانی مخلوقات را بر هم و عزیزانی جهش و زور گوینان عالم را در هم فروریزد و تاحدی هم موفق شد، ولی عواملی بعد از عبور از ایستگاه این آئین سیاسی پدید آمد و کسانی نام آور مسلمانان را بدست گرفتند که با طرد فکر و نحوه عمل خود مانع بشفرت واقعی اسلام شدند و بعبارت روشن تر معنویت اسلام و سادگی آن دین ابدی را فدای جاهل و خود کما سگی های خود نمودند و جفوحیست و منسب آنرا گرفتند.

اسلام در زمان خلق با ایران و روم و آفریقا وارد و رفت و قلمرو آن بسیار وسیع شد ملت‌های مختلفی به اسلام و تعالیم ساجه آن گردیدند، ولی راه‌بندگان آنروز اسلام افراد شایسته و برجسته گردیدند خدا نبودند که اسلام را با همان معنویت و جمال ذاتیش پیش ببرند.

آنها در سایه اسلام بیخو استند و قلمرو بیشتر و فضای باارتری پیدا کنند. اسلام برای آنها وسیله بود نه هدف. همین حصت چیزی نگذشت که اسلام راهمه و نورش که دارد بصورت حکومت‌های معمولی جهان در آمد حکومت‌های اسلامی در شام، بغداد، در مصر، در آفریقا، در اسپانیا توسط امویان و عباسیان، و فاطمیان و امویان اندلس، توسط سامانیان، غزنویان و سلجوقیان ایران و روم و تیره عناوین آسمانی و هدف‌های عالی رهبری و راهنمایی دینی و روحانی خود را از دست داد، و ظلم و فساد و جنگ و خون‌ریزی و غارت اموال مردم و تضییع حقوق ملت در همه جای پدید شد.

مانع پیشرفت اسلام چه بود؟

اسلام در شام پیشرفت کرد ولی در حقیقت بعد از پیامبر از جهش و بخش معنویت باز

استفاد. بنظر جامعه شیعه و منتقد رسای آنان این وقفه و رکود معنوی چیزی جز دوری مردم از خاندان پیامبر نبود.

اگر پیامبر اسلام در مدت ده سال تمام زمین حجاز را از لوث شرک و فساد اخلاق پاک کرد و راه و رسم رحمت و عدالت و انسانیت را به ملت عرب آموخت و کشور های همسوار را از خواب گران بیدینی دوری از خدا بیدار نمود، بخاطر این بود که پیشتر آسمانی ویرگریده خدا بود. بهمین جهت نیز انقلاب علمی و معنوی او این گیر و برنده دار بود. ملت عرب دور از تمدن را بکللی دیگرگون نمود و بصورت اقراد سائسته و انسانهای نمونه درآورد.

از میان همدان ملت که خدا میفرماید پیش از ظهور اسلام در گمراهی و سرگردانی آشکاری طرورفته بود انسانهای بی از اندامی چون ابو ذر غفاری؛ ابراهیم؛ مقداد؛ مصعب بن عمیر؛ عثمان بن مضعون و دیگران برخاستند.

اسلام آمده بود که بوسیله پیامبر خاتم و بعد از آن حضرت با روی کار آمدن امیرالمؤمنین و فرزندان لایق و ای که همگی نمونه انلای انسانیت بودند تمام مردم گیتی را بسوی خود جلب کند نه فقط حجاز و ملت عرب را. اسلام آمده بود که با تمام جهان پستد و سادو خود جهان را فتح کند نه تنها سر و عراق و شام را.

اسلام آمده بود که قانون انسانی و عدلی خود قرآن را بوسیله مفسران و ترجمان های شایسته اش اهل بیت عصمت (ع) در تمام اقطار جهان بپور اجرا در آورد نه تنها در کشورهای خاورمیانه و شمال افریقا و آسیای صغیر. پس اگر می بینیم این عطفای عالی از قوه بعمل نیامد و چنانکه می باید جلوه عمل نهوشید، علت آنرا بدون هیچگونه حمود و تقصی باید از گذار گذاشتن خاندان پیامبر از سخته سیاست حکومت اسلامی جستجو کرد که در خشنه - ترین چهره آنان شخصیت بی نظیر و عجبانی مولای متقیان علی (ع) بود که بعد از پیوستن مردم

اکمل تمام عالم انسانی و جهان اسلام بود. امر خاندان پیامبر روی کار می آمدند.

بررسی تاریخ اسلام خاصه نیم قری بعد از رحلت پیامبر (ع) بخوبی این حقیقت را مسلم میسازد که اگر بلافاصله بعد از آن حضرت مسند خلافت اسلامی به حضرت امیرمؤمنان واگذار می شد، بزرگترین مرد توانای اسلام با استفاده از علم و دانش، دعد و تقوی، عقل و تدبیر، شجاعت و شهامت بی نظیر خویش نمی گذاشت معنویت و سادگی زمان پیامبر بدست فراموشی سپرده شود. بلکه بیش از پیش در رواج اسلام و سوق مردم به دستوره های عالی علمی و عملی آن دین ابدی می کوشید و مردم نیز بهمان گونه که در زمان رسول خدا خو گرفته و تحت تأثیر تمامیت دنیوی و اخروی پیامبر واقع شده بودند، رهبری علی (ع) که هیچ فرقی با روش پیامبر نداشت جهان و دل می پذیرفتند.

ولی بیست و پنج سال که دیگران پست های حساس و سرپرستی جهان اسلام را اشغال کردند

ذمهات و اشکالات علمی و اشتباهات سیاسی و خطبهای نظامی بوجود آمده که سیر اسلام را عوض کرد و دنیا پرستی بجای لیاقت ذاتی و تقوی و فضیلت که قرآن آنرا ملاک شخصیت و برتری هر مسلمان قرار داده است، نهادت. بهمین جهت و قس علی (ع) روی کار آمد و دیگر مردم آن مردم ساده دل و بافتواری زمان پیامبر نبودند آن معنویت و توجه بخدا و آخرت بدست فراموشی سپرده شده بود.

علوم اسلامی منحصر به پیشسلله روایاتی شد که ابوهیره و عایشه و عبدالله عمر و کتب الاحبار اسرائیلی و دیگران نقل نموده و کتب اهل تسنن را پر کرده بود - هر چند علوم اسلامی و شارحان کتاب آسمانی قرآن مجید ائمه اطهار بودند که مسلمانان از آنها فاصله گرفته و تقریباً آن ذوات مقدسه را بیگانه از اسلام میدانستند. تا حالیکه (بخاری) بزرگترین محدثان عالم تسنن از معاویه و عایشه و عبدالله عمر و ابوهیره و ده ها حمایت کار، روایت نقل میکنند ولی يك حدیث از امام صادق (ع) و سایر ائمه اسلام نقل نکرده است.

این حدیثی وسوه علم مردم سبت بخاندان پیامبر حلو پیشرفت اسلام و سیر علوم عالی اسلام را گرفت و مانع بیداری جهان انان از داز ظهور اسلام و نزول قرآن مجید گشت.

امام صادق (ع) از فرصت استفاده میکند

بدینگونه در زمان امیرمؤمنان و ائمه بعدی تا اواخر زمان حضرت باقر (ع) عالم اسلام حساب خود را از خاندان پیامبر بکللی جدا ساخت، بدینوسیله که ائمه اطهار را بهیچوجه در امور کشوری و لشکری و سیاسی راه نمی دادند، و حتی از اقدام بکار های علمی و اجتماعی مسلمین یعنی تدریس علمی و نه اجتماع در مسجد پیامبر و مسجد الجرام و مجامع پر جمعیت منع می کردند. میداد مسلمانان آنها را بغناستند و با اطلاع از سوابق درخشان آنها به علم و دانش و عقل و تدبیر آنان بی برد و دور آنها را بگیرند و پایه حکومت غاصبانه بنی امیه و خلفای جور متزلزل شود.

ولی به هنگام ضعف بنی امیه و کسب کسب آنها بایلی عباس برای تصاحب خلافت اسلامی، امام ششم، حضرت صادق (ع) بهترین استفاده را از فرصت نمود. امام صادق (ع) ملاحظه

مردم تابع جریان روز شنند. هر طرف از فرصت استفاده نمود بهمان طرف روی می آورد. اگر خلفای تلافی و بنی مروان و بنی امیه مانع نفوذ و معرفی اهل بیت شدند و آزادی آنها را در بر پا گذاشتند این موجب نمیشود که ائمه بکللی از نفوذ در عالم اسلام و بخش انوار علوم اسلام تا ابد خودداری کنند. اگر ائمه قبلی چنین فرصتی نیافتند اینک بملت سرگرمی دو قطب مخالف برای شکست یکدیگر بهترین فرصت است که امام صادق حبران مافات را بنامد، و حقایق ناگفته را بگوید و رازهای سر بسته را فاش سازد.

امام صادق در گرما گرم نزاع بنی امیه و بنی عباس علناً حوزه تدریس علوم اسلامی تشکیل داد و اراسر ادبای اسلامی شاگرد پذیرفت و به نشر علوم اسلام و تفسیر قرآن یعنی بسط قوانین

مدنی اسلام و شرح قانون اساسی اسلام که ملبه‌های موسس این و آن شده بود همت گماشت انبوه فلا و دانشمندان پیروزه در مشی روی آوردند و از علوم سرشاری که از مردان عالی‌قدرش به‌ارث برده بود بهره‌مندی گشتند. تا جائیکه شاگردان بسیاری در علوم فقه و اصول کلام، تفسیر، حدیث، تاریخ اسلام و جهان، نحو و قرآن و دیگر شعب علمی فارغ‌التحصیل شدند. بر گزیده‌گان آنها، زاده، محمد بن مسلم، حبیب بن دجاج، حران بن اعین، مؤمن طاق، عیاش بن حکم، قیس بن ناسر، جابر بن حیان، فضل بن عمر، ابویسر، و غیره‌اند همین شاگردان بودند که تعدادشان بر چهار هزار فرسید و علوم اهلیت را در سراسر جهان پخش کردند و مبدأ تحول علمی و فنی عالم اسلام شدند. همین شاگردان بودند که باقلاسته و مشکلمان بی‌کانه از خاندان پیلسر سقا باه بر خاستند. و ابوحنیفه و مالک بن انس، و این‌ها را اهل اهل و علم این عتبه پیشوایان اهل تسنن را ملزم و می‌بایست میکردند و به آنها درس می‌آموختند، علوم و فنون آنها بود که جلوه‌اش را عقاید مسلمانان را گرفت و افکار و اندیشه‌ها و طرز فکر آنان را نسبت به علوم اسلام تصحیح نمود.

همین‌ها بودند که با مادی‌های عصر به‌مدارنه بر خاستند و با پاسخهای دندان شکن جلو ستم‌ناش‌های آنان را سد کردند و اسلام حقیقی را برای آنها که اسلام را از دریچه افکار ابوعهریره و عبدالله عمری دیدند تشریح کردند...

بنابر این امام صادق چنان ارفست‌اشاده‌شود و مقبول کار مثبت و اساسی خود که هدف اصلی اسلام بود گردید که وقتی بنی‌امیه از میان رفت و بنی‌عباس دشمنان تازه اهلیت‌دوی کار آمدند و مجدداً اقدام به محدودیت خاندان پیلسر نمودند آنحضرت کار خود را کرده و در نهایت اسلام پر از **قال الصادق** شده بود!

کار امام صادق سرمشق بسیار خوبی برای امروز است، امروز جامعه‌شبه بیش از هر روز دیگر احتیاج به تشکیلات و سازمان‌های مجهز علمی و عملی دارد. روحانیت شبهه باید خود را هم‌آهنگ با دنیای تازه گرداند. جزو دنیاهای پیشرفته علمی و فنی شود و از فرست‌های مناسب فضا و دانشمندان و خطبا و نویسندگان دینی جدا کنیز استفاده شود. و از فرست‌های مناسب و اوضاع مساعد روزگار استفاده گردد. و صورت کلی پیش از آنکه دیگران بفرست‌های مناسب فرموده‌امیر مؤمنان و ائمه و انصاری و نظم امر کم‌فرست‌های را نیست؛ دانسته‌ام و او خود را روی ظلم آورد، چنانکه نسل جوان مسلمان احتیاج دارند و باید برای آنها فکری کرد خود را منظم و مجرب به اصلاح علمی و عملی نوین کنیم. و از گذشته‌ها پند گرفته و حالت یأس و نومیدی را کنار گذاشته و از درس آموزنده امام صادق (ع) سر حلق بگیریم و تشکیلات کهنه و فرسوده خود را بسطک جهان پسنده بلکه اسلام‌پسند کنونی در آوریم و در نظر داشته باشیم که مولای متقیان فرمود: **حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا**.